

یا عبارتی که منحصر به زبان اسپانیایی است - به عنوان وسیله‌ای برای اظهار وجود استفاده می‌کنند و متعکس‌کننده میراث فرهنگی آنان است.

همچنین، زبان منشأ قدرت و کنترل اجتماعی است، زبان می‌تواند عامل ایجاد نابرابری در بین افراد و گروه‌ها باشد، زیرا از واژه‌ها (به طور عمدی یا غیر عمدی) برای «نگه داشتن مردم در جایگاه خویش» استفاده می‌شود. همان‌طور که دیورا تانن زبان‌شناس می‌گوید: «منشأ نفرت‌های گروهی ویرانگری که در کشور ما و اکتاف جهان به رنج‌های بسیار عظیمی منتهی شده است، ناشکیبایی‌های کوچک ما در محاوره‌های روزمره است - ما آماده‌ایم که نیت‌های خوب را به خودمان و بد را به دیگران نسبت دهیم.» بنابراین، زبان منعکس‌کننده ارزش‌ها و احساسات است.

### ارزش‌ها

ارزش‌ها ایده‌هایی جمعی هستند درباره آنچه در یک فرهنگ خاص درست یا نادرست، بد یا خوب، مطلوب یا نامطلوب تلقی می‌شود. (ویلیامز، ۱۹۷۰). ارزش‌ها به ما نمی‌گویند کدام رفتار مناسب است و کدام نیست، اما ملاکی در اختیارمان می‌گذارند که بر اساس آن، مردم، اشیاء و حوادث را ارزیابی می‌کنیم. معمولاً ارزش‌ها زوج هستند، مثل شجاع یا ترسو، سخت‌کوش یا تنبل. از آنجا که برخی توجیه رفتار خویش از ارزش‌ها استفاده می‌کنیم، گرایش داریم که شدیداً از آنها دفاع کنیم.

ارزش‌های اساسی آمریکایی. آیا در آمریکا ارزش‌های مشترکی داریم؟ جامعه‌شناسان درباره دامنه مجموعه ارزش‌های بنیادینی که بین همه مردم این کشور مشترک باشد، اتفاق نظر ندارند. کارکردگرایان به این اعتقاد گرایش دارند که ارزش‌های مشترک برای حفظ جامعه ضروری‌اند و پژوهشگران با استفاده از رهیافت کارکردگرا، تحقیقات زیادی درباره ارزش‌های اساسی انجام داده‌اند. تحلیل‌گرانی که بر اهمیت حفظ ارزش‌های اساسی متمرکز شده‌اند، ده ارزش را پیگیری کرده‌اند که تقریباً چهل سال پیش، جامعه‌شناسی به نام روبین ام. ویلیامز (۱۹۷۰) شناسایی کرد و هنوز برای مردم آمریکا مهم‌اند:

۱- فردگرایی. هر فردی مسئول موفقیت‌ها و شکست‌های خویش است. توانایی افراد و سخت‌کوشی، کلید موفقیت است. کسانی که موفق نمی‌شوند، باید فقط خودشان را به دلیل ناتوانی، تنبلی، بی‌اخلاقی و سایر نقص‌های شخصیتی سرزنش کنند.

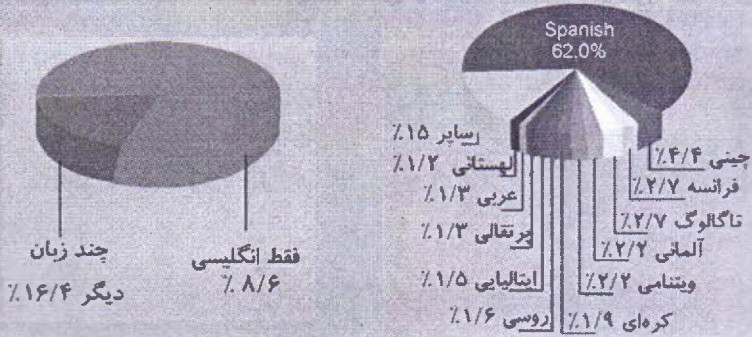
---

ارزش‌ها ایده‌هایی جمعی هستند درباره آنچه در یک فرهنگ خاص، درست یا نادرست، بد یا خوب، مطلوب یا نامطلوب تلقی می‌شود.

- ۲- پیشرفت و موفقیت. پیشرفت فردی نتیجه رقابت موفقیت‌آمیز با دیگران است. مردم تشویق می‌شوند تا در مدرسه و محل کار برای به دست آوردن ثروت، قدرت و شان اجتماعی، بهتر از دیگران کار کنند. دارایی‌های مادی نشانه پیشرفت فردی است.
- ۳- فعالیت و کار. افراد کوشا به دلیل پیشرفت خود مورد تحسین قرار می‌گیرند، کسانی که تنبل تلقی می‌شوند مورد تمسخر قرار خواهند گرفت. از دوره پورتین‌های<sup>۱</sup> اولیه، کار کردن بسیار مهم تلقی شده است. برخی از مردم حتی در ایام فراغت نیز به نوعی کار می‌کنند برای مثال به افرادی فکر کنید که در زمان فراغت به کلاس‌های ورزشی می‌روند، ماراتن می‌دوند، باغبانی می‌کنند، ماشین خود را تمیز می‌کنند.
- ۴- علم و فناوری. مردم ایالات متحده آمریکا اعتقاد بسیار زیادی به علم و فناوری دارند. آنها انتظار دارند که پیشرفت‌های فناوری و علمی در نهایت بتواند طبیعت، فرایند تکرار و حتی مرگ را کنترل کند.
- ۵- رشد و رفاه مادی. آسایش مادی چیزی جز تامین نیازهای اساسی زندگی نیست (مثل سرپناه، تغذیه و مراقبت پزشکی مناسب)، اما کالاهای و خدمات نیز زندگی را راحت‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌کنند.
- ۶- کارایی و عمل‌گرایی. مردم چیزهایی را دوست دارند که بهتر، بزرگ‌تر و پرسرعت‌تر است. در نتیجه، به کارایی (کارکرد مفید آن چقدر است) و کاربردی بودن (آیا واقعاً قابل استفاده است؟) اشیا ارزش زیادی می‌دهند.
- ۷- برابری. در ایالات متحده آمریکا از دوره استعمار همواره تمایز طبقاتی مردود شمرده شده است. با وجود این، «برابری» را به معنی برابری نتایج نمی‌دانند، بلکه آن را برابری فرصت‌ها تعریف کرده‌اند - یعنی شانس یکسان برای دستیابی به موفقیت.
- ۸- اخلاق‌گرایی و انسان‌گرایی. کمک کردن به دیگران، به خصوص پس از وقوع بلاهای طبیعی (مثل سیل و توفان) ارزش تلقی شده است. اعتقاد به کمک کردن به دیگران اساساً بخشی از آموزش‌های مذهبی بوده و رابطه تنگاتنگی با اخلاق‌گرایی داشته است. امروز مردم بدون توجه به مفهوم «اخلاقی یا مذهبی بودن» کار خویش، به فعالیت‌های نوع دوستانه می‌پردازند.

نیمرخ‌های آماری

زبان محاوره‌ای مردم آمریکا در منزل. در بین داده‌های طبقه‌بندی شده اداره آمار آمریکا، اطلاعاتی درباره‌ی زبان محاوره‌ای مردم در منزل وجود دارد. همان‌طور که نمودار زیر نشان می‌دهد، در بیش از ۸۰ درصد خانه‌ها، انگلیسی تنها زبان رایج است. با وجود این، در بیش از ۲۰ درصد منازل، مردم بیشتر با زبان دیگری گفتگو می‌کنند.



از افرادی که در منزل به زبان‌های دیگری غیر از انگلیسی حرف می‌زنند پرسش شد که تا چه اندازه به زبان انگلیسی مسلط‌اند. تقریباً ۴۴ درصد این افراد پاسخ دادند که انگلیسی را «کم و بیش» بلدند. نمودار بالا زبان‌هایی را که بیشتر در منزل رایج است نشان می‌دهد. به نظر شما تغییر زبان‌هایی که در این کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد، تغییرات دیگری در فرهنگ آمریکا ایجاد می‌کند؟ چرا بله و چرا نه؟

- ۱- آزادی و اختیار. آزاد بودن فرد در آمریکا یکی از ارزش‌های والاست. آزادی شامل حق مالکیت خصوصی، توانایی پرداختن به امور تجاری خصوصی، آزادی مطبوعات و سایر آزادی‌هایی است که از حقوق «اساسی» انسان محسوب می‌شوند.
- ۲- نژادگرایی و برتری گروهی. مردم ارزش گروه قومی و نژادی خویش را بالاتر از سایر گروه‌ها می‌دانند. این احساس برتری ممکن است به تبعیض منتهی شود. برده‌داری و قوانین جدایی طلبانه نمونه‌ای از این تفکر است. تعدادی از مردم نیز کشور خود را برتر و روش زندگی آمریکایی را بهترین می‌دانند.
- ۳- به نظر شما این ارزش‌ها امروز هم مهم تلقی می‌شوند؟ آیا ارزش‌های اساسی دیگری نیز وجود دارد که باید به این ارزش‌ها اضافه شود؟ گرچه جامعه‌شناسان با تهیه فهرست خاصی از ارزش‌های اساسی موافق نیستند، تحلیل‌گران اجتماعی مختلف اعتقاد دارند که در آمریکای امروز ارزش‌های اساسی دیگری نیز اضافه شده است که عبارت‌اند از:
- ۴- حساسیت بوم شناختی که ناشی از هشدارهای فزاینده درباره‌ی مشکلات جهانی است، از جمله ازدیاد جمعیت و گرم شدن جهان.

- تاکید بر ایجاد رابطه و حفظ آن از طریق صداقت، باز بودن، منصف بودن و شکیبایی.
  - معنویت و نیاز به داشتن معنایی برای زندگی که از خود انسان فراتر برود.
  - تناقض‌های ارزشی. همه جوامع، از جمله ایالات متحده آمریکا دارای ارزش‌های متناقضی هستند. ارزش‌های متناقض آنهایی هستند که یکدیگر را نقض می‌کنند، یا نفی‌کننده یکدیگرند (دستیابی به یکی، دستیابی به دیگری را اگر غیر ممکن نسازد، دشوار می‌کند). ارزش‌هایی مثل اخلاق‌گرایی و انسان‌گرایی با ارزش پیشرفت و موفقیت فردی متناقض دارند. برای مثال برنامه‌های رفاهی و سایر کمک‌های دولتی که منعکس‌کننده ارزش‌های انسان‌گرایی هستند با ارزش‌هایی که بر کار شدید و پیشرفت شخصی تاکید می‌کنند متناقض دارند.
- فرهنگ آرمانی در برابر فرهنگ واقعی. بین ارزش‌ها و رفتار انسان چه رابطه‌ای وجود دارد؟ جامعه‌شناسان تاکید می‌کنند که همیشه بین فرهنگ ایدئال و فرهنگ واقعی جامعه فاصله وجود دارد. فرهنگ ایدئال به آن دسته از ارزش‌ها و معیارهای رفتاری اشاره می‌کند که مردم جامعه باید آنها را پیشه خود سازند. فرهنگ واقعی به آن دسته از ارزش‌ها و معیارهای رفتاری اشاره دارد که مردم واقعاً از آنها پیروی می‌کنند. برای مثال، ما ممکن است ادعا داشته باشیم که از قانون پیروی می‌کنیم (ارزش فرهنگی ایدئال)، اما سیگار ماری جوانا بکشیم (رفتار فرهنگی واقعی). یا غالباً با سرعت غیر مجاز رانندگی کنیم، اما خودمان را «شهروند خوبی» بدانیم.
- بسیاری از ما در خصوص میزان پیروی از ارزش‌های اجتماعی صادق نیستیم. در مطالعه دانشگاه اریزونا به نام «پروژه آشغال‌ها» مواد زائد منازل شهر توکسون برای تعیین میزان مصرف الکل، تجزیه و تحلیل شد. از مردم درباره سطح مصرف الکل پرسش شد و ساکنان برخی از مناطق شهر پاسخ دادند که به میزان بسیار کمی الکل مصرف می‌کنند. با این حال، وقتی محققان آشغال‌های این منازل را تجزیه کردند، دریافتند که بیش از ۸۰ درصد آنها مقدار زیادی آبجو مصرف می‌کنند و در هر هفته بیش از نصف کیسه‌های زباله حاوی بیشتر از هشت عدد قوطی خالی آبجو بود (هاویلند، ۱۹۹۳). این مطالعه فاصله بین ارزش‌های فرهنگی ایدئال و رفتار واقعی مردم را آشکارا نشان داد.

### هنجارها

ارزش‌ها فراهم‌کننده آرمان‌ها یا باورهایی در مورد رفتار هستند، اما صراحتاً مشخص نمی‌کنند که ما باید چگونه باشیم. از طرف دیگر، هنجارها به انتظارات رفتاری خاص مربوط می‌شوند. هنجارها قواعد رفتاری یا معیارهای اجرایی تثبیت شده هستند. هنجارهای توصیفی، نوع رفتار مناسب یا قابل قبول را مشخص می‌سازند. برای مثال، از فردی که بول زیاد به دست می‌آورد انتظار می‌رود که

بوکه مالیاتی را پر کند و بدهی‌های مالیاتی خویش را بپردازد. هنجارهای مبتنی بر سنت ما را راهنمایی می‌کنند تا برای کسی که بسته سنگینی در دست دارد، در را باز کنیم. در مقابل، هنجارهای تجویزی بیانگر رفتارهای نامناسب یا غیرقابل قبول هستند. قوانینی که ما را از رانندگی کردن با سرعت غیرمجاز باز می‌دارند و قواعدی که شما را از مطالعه روزنامه در سر کلاس منع می‌کنند، نوعی‌هایی از این هنجارها هستند. هنجارهای توصیفی و تجویزی در تمام سطوح جامعه، از ضلالت‌های روزمره تا تدوین قانون به کار گرفته می‌شوند.

هنجارهای رسمی و غیر رسمی. همه هنجارها اهمیت یکسانی ندارند، آنهایی که بسیار حیاتی‌اند، رسمیت دارند. هنجارهای رسمی، نوشته شده هستند و در آنها مجازات‌های خاصی برای افراد خاطی پیش‌بینی شده است. قوانین از رایج‌ترین هنجارهای رسمی به شمار می‌روند. این هنجارها مدون شده‌اند و ممکن است دربرگیرندهٔ پشتوانه‌ای مثل انواع ضمانت‌های اجرایی باشند. ضمانت‌های اجرایی شامل پاداش‌هایی برای رفتار مناسب و مجازات‌هایی برای رفتار نامناسب هستند. ضمانت‌های اجرایی مثبت شامل اعطای جایزه، مدال یا تقدیرنامه به دلیل پیروی از هنجارهای خاص است. ضمانت‌های اجرایی منفی دامنه‌ای از اخطار ملایم تا محکوم شدن به مرگ را دربر می‌گیرند. هنجارهایی که اهمیت کمتری دارند، هنجارهای غیررسمی نامیده می‌شوند - مثل معیارهای نوشته شده رفتاری که برای همه افراد دارای هویت مشترک، شناخته شده هستند. وقتی فردی این هنجارها را می‌شکند ممکن است سایر اعضای گروه مجازات‌هایی را در مورد وی به کار ببرند. مجازات‌های غیررسمی تعریف روشنی ندارد و هر یک از اعضای گروه ممکن است آن را اعمال کنند. (مثل اخم کردن، اظهار نظر منفی یا نشان دادن حرکات منفی به فرد هنجار شکن).

شیوه‌های قومی. <sup>۱</sup> هنجارها نیز با توجه اهمیت نسبی آنها به دو دسته تقسیم می‌شوند: شیوه‌های قومی به هنجارهای غیر رسمی یا راه و رسم روزمره و داخلی هر فرهنگ اشاره دارد و تخطی از آنها ممکن است پیامدی نداشته باشد (سامر،<sup>۲</sup> ۱۹۰۶، ۱۹۵۹). این هنجارها قواعد رفتاری را تعیین می‌کند اما برای بقای جامعه ضروری نیستند. در آمریکا، شیوه‌های قومی شامل استفاده از اسپری‌های تیرخون، مسواک زدن دندان‌ها، و پوشیدن لباس مناسب در مراسم خاص است. شیوه‌های قومی ضمانت اجرایی ندارند؛ در مواردی که چنین ضمانت‌هایی وجود دارد، معمولاً مجازات‌های آن غیر رسمی و خفیف‌اند.

1. folkways

2. Summer

آداب و رسوم.<sup>۱</sup> (یا عرف) سایر هنجارها برای ثابت جامعه بسیار ضروری تلقی می‌شوند. آداب و رسوم، هنجارهایی بسیار قدرتمند با معنای ضمنی، اخلاقی و قومی هستند که تخطی از آنها در هر جامعه خاص قطعاً مجازات‌های شدیدی در پی دارد. چون آداب و رسوم مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی هستند و برای سلامت گروه، حیاتی تلقی می‌شوند، تخطی از آنها منجر به مجازات‌های شدیدی می‌شود (مثل مورد تمسخر قرار گرفتن، از دست دادن شغل، یا زندانی شدن) که با مجازات‌های مربوط به سرپیچی از شیوه‌های قومی قابل مقایسه نیست. آداب و رسوم بسیار قوی را تابو<sup>۲</sup> می‌گویند. تابوها آدابی بسیار قدرتمندند که تخطی از آنها بسیار موهن و حتی غیر قابل ذکر تلقی می‌شود. شکستن تابوها در گروه قابل مجازات است و براساس برخی از نظام‌های اعتقادی، نیروی ماوراءالطبیعه فرد خاطی را مجازات خواهد کرد. تابوی زنا که ازدواج و روابط جنسی را در بین طبقه معینی از خویشاوندان ممنوع می‌کند، نمونه‌ای از یک تابوی تقریباً جهانی است.

قوانین. قوانین هنجارهای رسمی و استاندارد هستند که قانون‌گذاران وضع می‌کنند و پشتوانه آنها مجازات رسمی است. قوانین ممکن است جنایی یا مدنی باشند. قانون مدنی به اختلافات بین مردم یا گروه‌ها می‌پردازد. افرادی که در دعوای مدنی محکوم شناخته می‌شوند ممکن است با مجازات‌هایی مثل پرداخت غرامت به طرف مقابل یا حکم تعطیل یک کار خاص مواجه شوند. از طرف دیگر، قانون جنایی به امنیت و سلامت جامعه مربوط می‌شود (قانون جزا نیز گفت می‌شود م). تخطی از این قوانین به احتمال زیاد با مجازات‌هایی مثل پرداخت جریمه و زندان همراه است، گرچه در برخی از ایالات جرم‌های خاص، مجازات مرگ در پی دارد.

تناقض‌های ارزشی. ارزش‌هایی که با یکدیگر تناقض دارند یا همدیگر را نفی می‌کنند.

هنجارها. به قواعد رفتاری یا معیارهای اجرایی تثبیت شده اطلاق می‌شود.

ضمانت‌های اجرایی. شامل پاداش‌هایی برای رفتار مناسب و مجازات‌هایی برای رفتار نامناسب است.

شیوه‌های قومی. هنجارهای غیر رسمی یا سنت‌های روزمره و داخلی هر فرهنگ که ممکن است تخطی از آنها پیامدی نداشته باشد.

آداب و رسوم. (عرف). هنجارهایی بسیار قدرتمند با مفهوم ضمنی اخلاقی و قومی که تخطی از آنها در هر جامعه خاص قطعاً مجازات‌های شدیدی در پی دارد.

تابوها. تابوها به قدری قدرتمندند که تخطی از آنها بسیار موهن و حتی غیر قابل ذکر تلقی می‌شود.

قوانین. هنجارهای رسمی و استاندارد که قانون‌گذاران وضع می‌کنند و پشتوانه آنها مجازات‌های رسمی است.

1. mores

2. taboo